

خیلواکی



استقلال

www.esteglaal.net

چهارشنبه ۲۸ اگست ۲۰۱۹

مرجان کمال

تحریک طالبان

نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت اول

در بحر غم افتاده ام
گویی به محراب اندری

تا دل به مهرت داده ام
چون در نماز ایستاده ام



فرضیه ها و غیر قابل پیش بینی ها:

ادبیات جامعه شناسی و نژاد شناسی (sociologie et anthropologie) سیاسی در مورد درگیری های مسلحانه پی در پی در افغانستان که به یک تعداد زیاد سوالات عمومی راجع می شود، جواب می دهد. با وجود آن یک تعداد معضلات خاص غیر قابل حل باقی می مانند. از یک جهاد به جهاد دیگر :

یک قسمت مهم ادبیات در دست داشته بالای طرز العمل سیاسی و اجتماعی در عمل، هنگام عبور به جهاد در سال های 1980 میلادی، مانند درگیری ها و کشمکش ها که در سال 2002 میلادی آغاز شد و در آن دو موضوع اساسی قابل فهم می باشد:

اول سوال تغییرات اجتماعی، و مسئله دوم رول ایدیولوژیکی.

بخش اول جهاد علیه شوروی ها:

پدیدار شدن چهره های جدید اقتدار محلی:

«تیکه داران قبایل» (این تعریف برای چهره های اقتدار محلی، برخاسته از جهاد علیه شوروی ها به، ب. روبین و جیل دورونسورو مراجعه شود) (B . Rubin, The Fragmentation of Afghanistan. State formation and collapse in the international system (New Haven : Yale University Press : 2002. 378p) و (G. Dorronsoro. La revolution afghan Paris; Karthala. 350p.) یا قومندان های جهادی، به خصوص ملا نقیب الله و حاجی عبدالحلیم نشان دهنده چهره های اقتدار محلی که به کمک جهاد علیه شوروی ها و با استفاده از خالیگاه هایی که با خلع شدن نخبگان قبلی توسط رژیم ناشی از کودتای اپریل 1978 میلادی، به وجود آمدند. این ها در ساحه سیاست محلی سرمایه گذاری نموده و به صفت اشخاص جدید صاحب اقتدار در ولایات عرض وجود نمودند.

طرح بسیج نمودن سیاسی و اجتماعی آن ها اتکاء بالای موجودیت شبکه های محلی، شناسایی ها، ارتباطات فامیلی، ارتباطات به شبکه های طریقت، همبستگی های مردمی و.....، می نماید.

یک قومندان جهادی به اندازه توانایی و استعداد خود، اداره یک یا چند جبهه را به دست گرفته و کمک مالی از احزاب پشاور نشین که عبارت از اسلحه و پول می باشد دریافت می کند. (سران یا رهبران هفت حزب مقاومت سنی در پشاور اقامت داشتند، و همچنین احزاب شیعه مرکز شان در ایران در مشهد بود).

جهاد، دفاع ملی و ایدیولوژی:

اگر مفهوم از جهاد دفاع ملی باشد، در هنگام درگیری مسلحانه ابزار قویی انگیزه جنگجویان که به دور یک قومندان جمع هستند، و عضویت به یک ایدیولوژی سیاسی ندارند. تمامی اعتراضات، و عبور به خشونت مسلحانه که در تاریخ کشور از زمان مبارزه برای استقلال در قرن نهم میلادی نشان داده شده است، همین مشخصات را نشان دهنده می باشند. به همین لحاظ توماس برفیلد (Thomas Barfield) بالای این نکته اتکاء نموده و خاطر نشان می کند که:

اسلام قبل از همه در افغانستان یک «سبک و رسم زندگی ست» نه یک «ایدیولوژی».

ظهور یک عامل جدید یا بازیگر جدید گروهی یا دسته جمعی:

یک طرح جدید بسیج شدن:

به وجود آمدن تحریک طالبان افغان در سال 1994 میلادی (د افغانستان د طالبانو تحریک) با بسیج شدن غیر ایدیولوژیکی مقاطعه می کند.

سران طالبان اکثریت شان برخواسته از یکی از احزاب سنی مقاومت می باشند، یعنی حزب حرکت انقلاب اسلامی که در هنگام جهاد علیه شوروی ها رهبری آن را مولوی محمد نبی محمدی (وفات در سال 2003 میلادی) داشت. برعکس تهداب اجتماعی این تحریک تشکیل شده از جوان های که به صورت بسیار شدید ایدیولوژی اسلامی را در مدرسه ها در کمپ های پاکستان آموخته اند. (مریم ابو ذهب Maryam. Abou Zahab, 2008، توماس برفیلد Thomas Barfield 2005، جانسن T. Johnson و مسن C. Mason 2007 و 2008 میلادی). این ایدیولوژی پیوریتیزم نیو - دیوبندی (Puritanisme neo - Déobandi) دین پاک دیوبندی نو توسط مریم ابوذهب در سال 2008 میلادی توصیف گردیده است. و از طرف دیگر به قرار توماس برفیلد (2005 میلادی) دلیل بزرگ رو گشتاندن مردم از تحریک یا جنبش طالبان در هنگام به راه انداختن عملیات «آزادی تغییر ناپذیر یا پایدار Liberté immuable» همین پیوریتیزم تحریک طالبان بود.

تغییر شکل در ساحه اجتماعی سیاسی:

در مورد تفسیر و توضیح جنبش طالبان یک اختلاف نظر در ساحه اجتماعی - سیاسی افغان موجود است. برای دورانسورو (Dorransoro Gilles) تحریک یا جنبش طالبان در سال های 1990 میلادی در اثر تغییر شکل عمیق سیاسی - اجتماعی که در دوران جنگ های سال های 1980 - 1990 میلادی به وقوع پیوست، به وجود آمد.

وی می نویسد: «پیدایش این تحریک اولاً در اثر به حاشیه راندن مذهبیین یا یک فامیل بزرگ علما، خاصتاً مجددی به نفع ملا های بیسواد می باشد». بر علاوه نویسنده جنبش طالبان را مطلقاً بیگانه و نا آشنا با دینامیک قطعات قبایلی، که تعیین کننده یا مشخص کننده محیط پشتون هاست، و با وجودی که تحریک طالبان برخواسته از آن می باشد.

جنبش طالبان به صورت تنگاتنگ به حزب حرکت انقلاب اسلامی پیوند دارد که این حزب با موجودیت یک تعداد زیاد علما که به مدرسه ها ارتباط داشته مشخص گردیده است و قابلیت جلب و جذب زیادی که از قطعات محلی فرا تر می رود دارا می باشد. بر علاوه تحریک طالبان دارای قابلیت پذیرش عضو از آن هایی که در کمپ های پاکستان زندگی نموده و زندگی غیر قبیلوی دارند، را نیز دارا می باشد.

جیسوتوزی (Gisutozzi، 2007 میلادی) با مفکوره دورانسورو (Dorransoro) در مورد این که تشکیل جنبش طالبان دارای تنوع بزرگ قومی در بین اعضای خود، که اولین شورای کویته را تشکیل داده اند، موافق می باشد.

برعکس این دو مؤلف مخالف با توماس جانسن (Thomas Johnson) و مسن (C. Mason) می باشند، برای این دو مؤلف اخیر الذکر اعضای تحریک طالبان توسط دینامیک قبایلی تشکیل گردیده است.

بر علاوه بر خلاف استدلال جیل دورانسورو (Gilles Dorransoro) که اتکاء بالای رول دارد که عبارت از تغییر شکل ساحه سیاسی - مذهبی می باشد، به قرار جانسن (Johnson) و مسن (Mason) بروز جنبش طالبان

ساخته شده است، مانند برگشت به یک طرح عمل دسته جمعی که بالای تصویر ملا های زمان جنگ افغان و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی تمرکز دارد.

ادامه دارد